

# آینده اسلام در دوران پساجهانی سازی توسعه انسانی به عنوان چارچوبی برای فرمول بندی استراتژی وحدت

آینده اسلام در دوران پساجهانی سازی توسعه انسانی به عنوان چارچوبی برای فرمول بندی استراتژی  
وحدت

دکتر سید مختار هاشمی

نویسنده و پژوهشگر - ایران

بنام خداوند بخشنده مهربان

چکیده:

نگارنده این مقاله معتقد است با وجودی که تمدن اسلامی در دوران گذشته و دستاوردهای آن می تواند دیدگاه روشنی نسبت به احیای اسلام در دوران پساجهانی سازی به ما بدهد. لازم است تجدیدنظری جدید در خصوص نحوه حکومت داری مطلوب در چارچوب اصول توسعه اسلامی نیز به عمل آید. بگو مگوهای جاری پیرامون ایده آل های هر يك از مذاهب صرفاً مانعی بر سر راه رسیدن به وحدت اسلامی نیست، بلکه نیرویی عظیم برای خارج کردن قطار احیای اسلامی از ریل می باشد. بسیاری از اسلام گرایان تاکنون در جوامع جدا از

هم افتاده در سراسر جهان در اردوگاهی نامناسب اسیر مباحثی جزمی در خصوص تشکیل يك حكومت اسلامي بدون هیچگونه راهکار روشنی برای رسیدن به آن هدف عالییه بوده‌اند. نسخه مدرن نیروهای جهانی چند بعدی است (و شامل جنبه های سکولار، ملی‌گرا، اقتصادی، بازرگانی، فرهنگی و اجتماعی می‌شود) و چالش‌های فراوانی را فراروی امت اسلامی قرار می‌دهد. مسیر ما به سمت جلو نباید مخالفت با جهانی شدن و ارزش‌های آن باشد، بلکه باید فرمول بندی راهکارهایی بپردازیم و برنامه روشنی تدوین کنیم که جایگزین مدل‌های شکست خورده ملی‌گرایانه و کثرت‌گرا (پلورالیست) باشد. اسلام‌گرایان توانسته‌اند مشکل پدید آمده را ارزیابی و مشخص کنند، اما در تدارک جایگزینی روشن برای وضع موجود موفق نبوده‌اند.

## 1- مقدمه

مسلمانان و غیرمسلمانان، هر دو در خصوص افول تمدن و اصول اسلامی در جوامع مسلمانان متفق القولند. در مورد این که کجای کار غلط بوده و چرا وضع به موقعیت اسف بار کنونی، که در آن امت اسلامی دچار تشتت کامل است و جوامع اسلامی درگیر بحران‌های فراگیر هستند مباحث فراوانی مطرح شده؛ شکاف‌های فیزیکی و ایدئولوژیک امروز به رسش کامل رسیده‌اند و امت اینک خود را در حل و فصل چالش‌های دوران مدرن ناتوان می‌یابد. شکوه گذشته درخشان مکانیسمی در اختیار مسلمانان قرار داده تا در برابر ذوب کامل در نتیجه حملات فرهنگی تمدن غالب غرب مقاومت کنند. نظریه «برخورد تمدن‌های هانتینگتون» (1996) منعکس‌کننده ترس‌های غرب در خصوص تمدن اسلامی، مقاومت آن تمدن در برابر اسلام و تاکید بر ایده آل‌های «ملت - دولت» محور (فلسفه سیاسی غرب)، است که مبنای آن قومیت‌گرایی و ملی‌گرایی می‌باشد. بینش جهان اسلام در خصوص حکومت ملی هرگز بر مبنای مفهوم «ملت‌ها» استوار نبوده است (2003)، و تحکیم به پنهان و آشکار، است کرده ادعا 2003 سال در «فولر» که چنان هم همواره غرب (Fuller) تقویت مبنای برتری تمدن غربی پرداخته است و این نظریه را تبلیغ کرده که آن تمدن شکل‌نهایی تمدن بشری خواهد بود. اسلام و مسلمین از دیدگاه مراکز عمده قدرت در غرب خطرناک در نظر گرفته می‌شوند و این نظریه پس از ماجرای یازده سپتامبر تقویت شد. بسیاری از مطالعاتی که پیرامون اسلام انجام می‌شود حول محور «مبارزه با تروریسم» و بنیادگرایی سازمان‌دهی می‌شود و با آن چه به نظامی‌گرایی اسلامی مشهور شده است. نحوه ارائه‌های چهره اسلام مبتنی است بر دیدگاه‌های به اصطلاح «خبرگانی» همچون «راجر اسکراتون» (Scrutton 2002؛ ) که نشریات مهاجم به کمک او آمده، پوشش خوبی به نظریاتش داده‌اند. ادوارد سعید (Edward 1997 Said؛ ) جمله‌ای از يك محقق برجسته الجزایری و استاد اندیشه اسلامی در دانشگاه سوربون فرانسه به نام محمد آرکون نقل می‌کند:

«در مباحث دانشگاهی در زمینه مطالعات اسلامی هنوز باید به ارائه توضیحاتی در این مقوله بپردازیم که چرا وقتی يك واژه واحد به نام اسلام در اشاره چنان قلمروی گسترده ای از نظریه ها، حوزه های فرهنگی متفاوت، مکاتب گوناگون و مفاهیم مختلف مورد استفاده قرار می گیرد، چرا مباحث مربوطه این قدر تك بعدي باقی مانده اند.»

اسلام گرایان یا به طور کلی حرکت های اسلامی، موفق به فتح اذهان جوامع اسلامی نشده اند، هر چند انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید. دکترین جمهوری اسلامی یا ولایت فقیه و به عبارتی «حکومت صالحان» قطعاً بر نظریه «دولت - ملت» در جهان اسلام شوکی عمده وارد کرد. اسلام گرایان نتوانسته اند به فرمول بندي دیدگاهی روشن پیرامون حکومت مطلوب اسلامی، به عنوان جایگزینی برای فلسفه «ملت - دولت» بپردازند. چنان چه «پیسکاتوری» (Piscatori, 1986) به نقل ملاقاتی با گروهی از دانشجویان مسلمانان در کراچی پرداخته، بسیاری از افراد در جهان اسلام نسبت به حکومت های ملی خود انتقادات زیادی دارند (حکومت های پادشاهی، ریاست جمهوری های مادام العمر، حاکمیت های تك حزبی و غیره). این گونه احساسات و این «الیناسیون» تا امروز هم پابرجاست، اما لازم است به یاد داشته باشیم که علی رغم افول تمدن اسلامی، حرکت های اسلامی به رهبری جمال الدین افغانی، رشید رضا، حسن بنا و غیره نقطه عطفی در احیای تفکر اسلامی پس از سقوط امپراتوری عثمانی و دوران حاکمیت استعمار پدید آوردند. حرکت های اصلاح طلبانه قرن های نوزدهم و بیستم حول محور بازگشت به گذشته درخشان شکل گرفتند. به زعم گروهی این برداشت معادل بدنام کردن بسیاری از جوامع اسلامی تحت عنوان گمراهی عقیدتی گردید و به نظر ایشان دشمنی داخلی در کنار نیروهای شیطانی خارجی در آن جوامع پدید آمد. گرایشاتی نسبت به مردود شناختن میراث فرهنگی و غنای اندیشه اسلامی نیز وجود داشت. به جای تقویت پایه های مذاهب اسلامی، برای نمونه، تلاش شده تا این سازمان های فکری قوی اسلامی را تضعیف کنند. برنامه کاری اصلاحات بیشتر سیاسی شد، تا فرهنگی و آموزشی و این جنبه ها عمدتاً مغفول ماندند.

مورد ناخوشایند دیگر، نادیده گرفتن اهمیت بعد روحانی جامعه بود. چنان چه «سعید حوی» (Hova Said; 1988) به آن اشاره کرده است. یکی از جنبه های موفقیت اسلامی مرهون تفوق روحانی اسلام است. تاریخ نشان می دهد که چگونه يك منطقه کوچک و جدا افتاده جغرافیایی در شبه جزیره عربی پیام خود را نه از طریق صرفاً فتوحات نظامی، بلکه با قدرت عقیده، به بیشتر مناطق توسعه یافته جهان گسترش داد. فولر دارد زمینه این در انگیز اعجاب نظری (2003, Fuller)

«مساله تکان دهنده صرفاً غلبه (نظامی اسلام) نیست، بلکه تداوم آن فرهنگ نیز می باشد، این مکتب مانند قدرت مغول ها که طی عمر یکی دو نسل ذوب و نابود گردید نیست. گروه های عظیمی از پیروان

وفادار از فرهنگ های دینی مختلف - مسیحیان بیزانس، زرتشتیان ایرانی، بودائیان آسیای میانه، بخش های بزرگی از شبه قاره هندوها، جاوای هندو-بودایی و آفریقای سرزنده - پس از تسخیر کامل و دائمی مردمی، نژادی و مکتبی توسط اسلام همه به قلمروی بزرگ اسلامی پیوستند. بازرگانان و عارفان صوفی مسلک حداقل اهمیتشان پی ریزی زیربنای مبانی اسلامی، هم چون عملکرد ارتش ها بود.»

کند می تایید را مهم حقیقت دو فولر (Fuller; 2003) :

«در طول تاریخ بسیار به ندرت به هر گونه فرهنگ اسلامی برمی خوریم که یک فرهنگ دینی دیگر به هر طریق ممکن توانسته باشد جای گزین آن بشود.»

«اسلام در واقع نسبت به هر دین دیگری، در قلمروهایی گسترده تر به مدت زمان های طولانی تر و بین فرهنگ های متنوع تر پذیرفته شده است.»

این نشان دهنده میزان سهمگینی نفوذ اخلاقیات و فرهنگ اسلامی است، لذا سوال این است که چگونه اسلام می تواند تحمل ضربات وارده از جانب نیروهای متحول جهانی را چنان چه فولر (Fuller 2003; ) توصیف کرده است داشته باشد. در این مقاله پیشنهاد شده است به تقویت ابعاد روحانی و اخلاقی اسلام در درون مفهوم دیدگاه اسلامی توسعه پردازیم، و ببینیم چگونه می توانیم حقوق بشر جهانی و حاکمیت عادلانه یا خوب را تاسیس کنیم.

## 2- آفات وحدت: موافقت بر سر مخالف بودن یا «اصل قراردادوی»

مسلمانان در این امر توافق نظر دارند که وضعیت موجود قابل قبول نیست. باید راهی برای رهایی از وضعیت دلهره آور کنونی وجود داشته باشد. بیست و دومین کنفرانس بین المللی وحدت دارد تلاش می کند به فورمول بندی استراتژی هایی بپردازد تا به کمک آن ها به رویارویی با تهدیدات علیه وحدت امت بپردازیم.

تلاش کنفرانس بیست و یکم معطوف به فورمول بندی «منشور وحدت» بود. کنفرانس های پیشین بر مبنای گرایشات سنتی برای دست یابی به «وحدت بین مذاهب اسلامی» سازمان دهی شدند و در عالم واقع تأثیر اندکی بر جای گذاشتند. ما شاهد گرایشات فرقه ای هستیم و علی رغم پیام هایی که از هر گوشه از خانه اسلامی به نفع وحدت به گوش می رسد، هر چند گاه یک بار آتش بس مصنوعی شکسته می شود. این واقعیت این

سوال را پدید می آورد که آیا فایده ای دارد هم چنان با پرچم های وحدت در کنفرانس ها رژه برویم اما در عین حال به برنامه های فرقه ای خود نیز ادامه بدهیم؟ مصاحبه دکتر قرادادی با یک روزنامه مصری پس از آن که روز 13 سپتامبر سال 2008 توسط خبرگزاری مهر مخابره شد موجی از عکس العمل ها را برانگیخت. این مسأله موجب شد شیخ تسخیری بیانیه ای عمومی در خصوص آن چه قرادادی تهدید تبلیغات شیعی در جهان اهل سنت نامیده بود صادر کند (برای نمونه، منبع:

، عاها<sup>۱</sup> اد اینترنتی های سایت و «سایبر» فضای در جستجو با (<http://eslahe.com/article1295.html>) تکذیبی ها و تبلیغات به عمل آمده، انسان تا حدی گیج می شود که دقیقاً چه مطلبی گفته شده و منظور از بیان آن چه بوده است. به هر حال، یک حقیقت زیربنایی وجود دارد و آن این که وحدت هدفی است که قدری دور از دسترس می نماید. تفاوت های بنیادین ایدئولوژیک بین بخش های مختلف امت اسلامی وجود دارد. ما می توانیم نتیجه بگیریم که وحدت بدان سبب نمی تواند تحقق یابد که تعصبات دینی در همه سوی معادلات وجود دارد. گوناگونی بسیار اندیشه های اسلامی که در این داستان نشان داده شده است اشاره به نکته ای مهم دارد: فرقه گرایی وجهه اصلی حرکت های اسلامی امروز است و بیش تر اسلام گرایان (فعالین سیاسی) نقطه ضعفشان تفکری انحرافی است که در آن دیدگاهشان نسبت به وحدت یکسان شدن ظواهر است و نه وحدت ضمن حفظ گوناگونی. این امر نشان دهنده مشکلی درونی و تهدیدی برای وحدت اسلامی است. هیچ گونه سعه صدری وجود ندارد چون هیچ مرز روشن یا محدوده ای در این خصوص که چه چیزی مقبول و چه مقوله ای غیرقابل قبول است وجود ندارد. در نظر نخست، یک گرایش فقهی ممکن است به مثابه ابزاری در دست ما به نظر برسد که از آن برای ارائه تعریفی پیچیده از آن چه ما ممکن است «تمامیت اسلام» بنامیم استفاده کنیم. و این پیچیدگی به خاطر ظهور مذاهب اسلامی مخالف با یکدیگر است. در هر حال، این (گرایش فقهی) مبنایی محکم جهت نیل به سوی وحدت در اختیار ما قرار می دهد که خود تحت تأثیر عوامل ژئوپولتیکی، فرهنگی - روشنفکری، دوره ای و محیطی قرار دارد، که در بخش بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

بنابر تعریف فقهی، یک مسلمان کسی است که «شهادتین» خود را بر زبان جاری کرده باشد؛ «خدایی به جز او وجود ندارد و محمد (ص) (بنده او و) رسول او .. است.» در سال 1864 در شهر وستفاليا (Westphalia) در آلمان، ملات های مسیحی اروپا تصمیم گرفتند به «جنگ مقدس مذهبی» پایان دهند و ویژگی عصر جدید را حکومت های مدرن (هاشمی، 2008) و وجود هماهنگی مذهبی بین بخش های مختلف مسیحیت دانستند که این اهداف نسبتاً تحقق یافت. مسلمانان امروز نیازمند به اقدام ژئوپولتیکی مشابهی هستند. قرادادی دارد از مراکز شیعی قدرت درخواست می کند که با تبلیغات پیرامون ایدئولوژی شیعه به بی ثباتی جوامع اسلامی در کشور هایی که شیعه در آنها هیچ نفوذی ندارد، همچون مصر نپردازند. بعد ژئوپولتیکی مسأله باید درک شود. بسیاری افراد در جهان عرب (و در قلمروی اهل سنت) بدان سبب در کنار صدام حسین

ایستادند که حسّ می کردند تهدیدی علیه هویت سنّی در عراق به وجود آمده. این نوع احساسات ریشه های تاریخی دارد، و چنان که فولر (Fuller, 2003) گفته است، مسأله با ظهور سلسلهء صفویه در ایران در آغاز قرن شانزدهم آغاز شد:

سلاطین صفوی با پدید آوردن مرزی که راه گفتگو بین مسلمانان در سراسر منطقه اوراسیا را سدّ می کرد جهان اسلام را به لحاظ فیزیکی به بخش هایی مجزا تقسیم نمودند. در نتیجه بازرگانان مسلمان مسیر تجاری خود را از جادهء ابریشم به يك مسیر دریایی تغییر دادند که موجب جدا افتادن بیشتر (حکومت صفوی) شد.

اروپائیان تجارت دریایی را به سمت اقیانوس اطلس آغاز نموده، دنیاهای تازه ای را کشف کردند و با به حاشیه راندن دریا نوردان مسلمان به سروری تجاری دست یافتند.

قدرت های جدید استعماری با تصاحب جبری حقّ انتخاب، به تخریب سازمان های سنّتی پرداختند و عمدآ از تأسیس ارگان های کارآمد جایگزین شانه خالی کردند.

اثرات میراث شوم استعمار هنوز پابرجاست. فقدان سازمان های حکومتی به معنای واقعی کلمه مانع اصلی بر سر راه تحقق وحدت اسلامی است. هیچ مکانیسمی برای پیشنهاد هر گونه منشور یا استراتژی و اجرای آن ها وجود ندارد. سازمان های اسلامی که در درون سازماندهی کلّی مدرنی دارند در عمل در تمامی جنبه های زندگی مسلمانان به حاشیه رانده شده اند: جنبه های مثل جنبه آموزشی، جنبه فرهنگی و غیره. در بخش بعد، عواملی که چالش های پدید می آورند به طور مشروح تر مورد بحث قرار گرفته اند.

### 3- عوامل ضدّ وحدت

در جدول شماره 1 به خلاصه تیپ شناسی عوامل عمده ای پرداخته ایم که در این برهه تاریخی در وضعیت امّت نقش تعیین کننده دارند.

طبیعت چند سطحی و چند بعدی این عوامل و تعامل بین آن ها موجب پیچیدگی تجزیه و تحلیل آن ها و پدید آمدن این سؤال می شود که "چطور شد که کارها تا این حدّ خراب شد و چرا مسلمانان خود را در چنین وضعیتی نامطلوبی می یابند؟" حرکت های اسلامی در مراحل ابتدایی به عکس العمل نشان دادن پرداخته، سعی کردند معادل هایی برای مفاهیمی هم چون مردم سالاری و حقوق بشر ارائه کنند. مودودی (Mawdoudi:2002)

سعی کرده به فرمول بندی حقوق بشر در اسلام بپردازد که نمونه ای از این گونه تلاش هاست. اسلام گرایان بخشی از نیروهای زیاد آزادی بخشی بوده اند که سعی در شکست دادن استعمارگران و حکومت های آنان کرده اند و تلاش کرده اند به جوامعی مدنی، مبتنی بر اصول مردم سالاری شکل دهند، چنانچه فولر (2003)؛ Fuller) این مطلب را تأیید می کند و پیسکاتوری (Piscatori, 1986) نیز با وی هم عقیده است. هر یک از عواملی که در جدول شماره 1 آمده شایسته توجه بیشتر است، ولی چنان مطالعه ای فراتر از حیطه این مقاله است و می تواند در تحقیقی مشروح تر پیرامون علل افول و حتی «مرگ» [1] تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. به هر حال، به برخی تهدیدات اصلی علیه وحدت اسلامی و حیات پایدار (امت) توجه بیشتری شده است.

## عوامل

تأثیرات: بعضی نمونه ها

فرهنگی، فکری و آموزشی

- مسائل هویت اسلامی

- جداسازی آموزش مذهبی از آموزش های کلاسی؛

- جدایی فرهنگی همراه با فقدان تلاش معطوف به ادغام ضمن حفظ گوناگونی؛

- گوناگونی در قلمروی فکری همراه با فقدان ارتباطات و گفتگو بین خط های فکری مختلف و مغایر؛

- برتری نیروهای جهانی فرهنگ سکولار و روشنفکران آن مکتب و تهاجم آن ها علیه فرهنگ مذهبی و مبانی کلاسی تفکر مذهبی؛

- نهضت حقوق زنان (فمینیسم) و مرگ ارزش های خانوادگی؛

- تهاجمات رسانه اي و جنگ تبليغاتي

ژئوپلتيكي (سياسي - جغرافيايي)

- تنش هاي قوميّتي، طهور ملاّي گرايي و بحران هاي قومي-قبيله اي؛

- چندپارگي رهبري، يعني فقدان رهبري وحدت آفريند؛

- بي ثباتي اجتماعي به خاطر مديريت غلط و فقر؛

- افراطي گري و قطبي شدن در درون حرّكت هاي اسلامي؛

- فشار به خاطر وجود نيروهاي جهاني سازي، وابستگي اقتصادي و وابستگي هاي متقابل

سازما ني

- بي محتوا كردن سازمان هاي ديني؛

- فقدان تشکيلات سازما ني مناسب به لحاظ تشکيلات اداري؛

- فقدان سيستم هاي پاسخ گو و عادلانه حکوتي؛



- تخریب یا وضع اسف بار منابع طبیعی؛

- ناتوانی در احیای منابع به خاطر تغییرات آب و هوایی و جوی

جدول شماره 1: تیپ شناسی عوامل اصلی مؤثر بر وضعیّت امّت اسلامی

احتمالاً یکی از بزرگ ترین تهدیدات، گيجي و سردرگمي فکري ناشي از مباحث نسبتاً غیرمنطقي در خصوص میراث فکري گذشته و مربوط به بنیادها و روش شناسي هاي مورد استفاده در علوم اسلامي، مانند فقه، عقاید، و غیره مي شود. این مسأله در بخش بعدي که در آن به سنّت ها و اسلام گرایي نوین پرداخته ایم مورد بحث قرار خواهد گرفت.

5- اسلام گرایي نوین؛ پیشرفت یا انحراف؟

یکی از اشتباهات حرکت هاي اسلامي ابتدایی این بوده که مي پنداشته اند ما لازم است به احیاي سنّت هاي گذشته بازگردیم و این را يك استراتژی براي احیاي اسلامي در نظر مي گرفته اند، در شرایطی که در آن حرکت ها بسياري از عبارات و اصطلاحات جديد معرفي شدند. این گرایش به نظر بسياري «ارتجاعی» آمد و موجب بروز شکاف در فلمروي اسلام گردید. این شکاف عیقدتي موجب پدید آمدن اردوگاه هاي مختلف و احزابي شد که بین آنها نه هماهنگي وجود داشت و نه گفتگويي صورت مي گرفت. ما تاکنون شاهد بروز اختلافات شديد فکري بوده ایم که عمدتاً نتیجه آنها پدید آمدن آثاري شبه علمي بوده است که سؤال برانگیز، پراکنده، مغشوش و به لحاظ اصالت علمي مورد تردیدند. حکم قرآني «اگر راست مي گوئيد برهان مستدل خویش را ارائه کنید» در پدید آوردن این گونه آثار به طور کامل مراعات نشده است.

مسأله اصالت علمي یا بد فهمیده شده و یا در خصوص آن بد فضاوت شده است و در این خصوص یا افراط و یا تفریط صورت گرفته. دو اردوگاه اصلي به تهاجم عليه یکدیگر پرداخته اند و به خلق کردن یا

سازماندهی بازی‌ها یا مسابقه‌هایی مشغول بوده اند؛ از آن جمله است ارائه «براهین در برابر سنت‌ها»، اصلاحات در برابر اجتهاد خشک و بسته، و تغییرات در برابر صیانت محافظه‌کارانه از حفظ اوضاع موجود. این رقابت‌ها نه تنها منجر به تفاوت‌های ایدئولوژیک بسیار شده، بلکه همچنین تفرقه‌انگیز و موجب بروز جدایی‌ها بوده است. یک پیچیدگی دیگر ناشی از حرکت‌های نظامی‌گرا بوده که از دهه 1980 تاکنون فعال، زشت و خونبار بوده اند، شامل طالبان و حرکت‌های جهادی (جنبش محمد در پاکستان، انصار رسول در شمال عراق و غیره) که به کشتار مسلمانان و دهشت افکنی در حکومت‌ها و دولت‌های اسلامی مشغول بوده اند. فکر و ذکر غرب برای نابودسازی هویت اسلامی ناشی از وجود به اصطلاح «تهدیدات تروریستی اسلامی» است. نظریه «ترس از احیای اسلامی» در غرب همان قدر قدرتمند است که احساسات ضد آمریکایی و ترس از تهدیدات صهیونیستی در جهان اسلام و عرب. ریشه مورد اخیر تجاری است که مسلمانان و اعراب تحت سلطه غرب استمارگر به دست آورده اند، اما ترس از اسلام در نتیجه عملکرد حرکت‌های جهادی تقویت شد که در مواردی امنیت جهان غرب را تهدید کردند، مثل تلاشی که در 11 سپتامبر به عمل آمد. فولر (Fuller: 2003) تلویحاً معتقد است که خبرگان غربی آن‌جا که حرکت‌های جهادی را معادل با احیای اسلامی در نظر می‌گیرند اشتباه می‌کنند چون مبنای این بحران بیش‌تر اختلافات سیاسی است تا تفاوت‌های ایدئولوژیک. جالب است به این نکته توجه کنیم که این معاون سابق ریاست سیا در امور شورای امنیت ملی (NIC) می‌پذیرد که اسلام سیاسی نقشی مثبت دارد که باید به ایفای آن بپردازد. وی می‌گوید که صهیونیسم یکی از محصولات تعقیب کیفی یهودیان توسط غرب است و این که پایه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز 1400 ساله بین یهودیان و مسلمانان با کاشتن اسرائیل در منطقه به لرزه افتاده است.

به این ترتیب، انسان می‌تواند بپرسد: پس خطر اسلام‌گرایی نوین، یا اسلام لیبرال در ابداع روش‌شناسی‌های جدید یا استانداردهایی جهت تسهیل عملکرد متقابل اسلام در دوران مدرن چیست؟ نویسنده این مقاله این توفیق را داشته که در سال 2008 دیداری از دمشق، یکی از مراکز باشکوه، به لحاظ فرهنگ عربی و اسلامی داشته باشد، و حین بازدید از کتاب‌فروشی‌های معروف آن شهر زیبا و تاریخی، کتابی خریداری شد که نویسنده آن شخصی به نام ابوزید (Zaid-Abu, 2007) است. موضوع کتاب بحثی است با محققین و طلاب دیگر موسوم به «سنت‌گرا» در خصوص نقش امام شافعی در تاسیس یک «ایدئولوژی مرکزیت‌گرا». ابوزید (2007) امام شافعی را متهم می‌کند که بیش از حد طرفدار نژاد عرب و به ویژه قبیله قریش بوده است (که تلویحاً القای نوعی نژاد پرستی در اصطلاحات دوران مدرن را می‌کند).

وی استدلال خود را بر این پایه استوار می‌سازد که چرا امام شافعی گفته ائمّه مسلمین بر اساس احادیث باید تنها از قریش باشند. ابوزید (2007) سعی در اثبات این مدعا دارد که این خود امام

شافعی بوده که سنن نبوی را با آیات قرآنی مربوطه مطابقت داده و به یکی از مراجع عمده فقه و شریعت اهل سنت تبدیل شده است. او می گوید که آن انتخاب (انحصار امامت به قریش) توسط آن امام بزرگوار (شافعی) بیشتر جزم گرایانه بوده است تا منطقی. اصطلاح علمی مورد استفاده «سلطة الذموم» است. کوتاه سخن این که ابوزید (2007) تردیدهای بسیاری پیرامون صحّت نظریّه تردید ناپذیری متون (ائمّه اهل سنت) پدید می آورد و به غلط امام (شافعی) را متهم می کند که وی سنن نبوی را به همان دقّت و صحّت قرآن با آیات الهی مطابقت داده است. يك مقدمه 88 صفحه ای (به مجموع 190 صفحه کتاب) افزوده شده تا تأثیر منفي منتقدین کتاب را خنثی کند و این خود نشان دهنده میزان احساسات خصمانه در هر دو سوی بحث است. نکته شگفتی آفرین این است که ابوزید و دیگران، مثل دکتر عبدالکریم سروش در ایران، تلاش می کنند زندگی را در يك خطّ مردهء تفکّر، به ارث رسیده از دوران (خلفای) عباسی، به جریان بیاندازند؛ ایده آل آن ها «اعتزال» به عنوان يك اسلام آزاداندیش و لیبرال است، اما تاریخ خلاف این امر را نشان می دهد. مفهوم «اعتزال» مقدمه ای بود بر نسخه ای اسلامی از تفتیش عقاید، چنان چه هاشمی (Hashemi؛ 2008) می نویسد:

«اسناد کافی وجود دارد که ثابت می کند دوران تفتیش عقاید دردناک ترین پدیده تاریخی در اروپای قرن 12 بوده است. مسلمانان نیز طعم این گونه اقدامات وحشتناک را چشیده اند. در زمان حکومت مأمون، خلیفه عباسی، تفتیش عقاید مسلمانان سنّی مذهب آغاز شد، امّا نه تا سرحد اعدام و زندانی کردن. پس از مرگ امام شافعی، مأمون به تدریج از حضور پیروان مذاهب اهل سنّت در قلمروی حکومتی خود بیشتر آزرده خاطرتر شد و در پی کسب يك پیروزی بزرگ در جنوب ترکیه (جایی که حواری حضرت عیسی (ع) پل تعمید دهنده - باپتیست - متولد شده بود)، او پیامی خطاب به حاکم منتسب خویش در بغداد، ابراهیم بن اسحق صادر کرد تا پرسش نامه ای تنظیم و برای تمامی قضات و طلاب علوم دینی ارسال نماید و از آنها بپرسد که آیا قرآن «قدیم» است یا «حادث»؟ مأمون پیرو شعبه ای از تفکّر معتزله بود که معتقد بودند قرآن «حادث» است نه «قدیم». لذا، هر کس به این باور جزمی اعتقاد نداشت شغل خویش را از دست می داد و طبعاً حقوقش هم قطع می شد. دادگاه های تفتیش عقاید از این دست در بغداد شروع به کار کردند. امام احمد حنبل از جمله کسانی بود که دستگیر و محاکمه شد. جانشین امام شافعی، یعنی امام بیوطی نیز هم زندانی و هم شکنجه شد. این داستان وحشت انگیز تا زمان مرگ خلیفه «الواثق» در سال 231 پس از هجرت ادامه داشت، و این خلیفه «متوکّل» بود که حکمی صادر کرد که یادداشت پیرامون اعتزال (مأمون) را باطل و فعّالیت های ضدّ اهل تسنّن را متوقّف کرد. يك تغییر سیاست عمده، و در واقع حرکت در جهت خلاف سیاست های پیشین در زمان نظام الملک به عمل آمد که در قرن پنجم هجری به صدارت رسید و نظامیه ها، یا دانشگاه هایی را پایه گذاری کرد که به تبلیغ مذهب شافعی و اسلام اهل سنّت بپردازند. تفوّق این مکتب عقیدتی، یعنی «اشاعره» تا دوران حاضر پابرجا مانده است.»

هدف از بررسی مناقشات قدیمی، و در واقع تدارک ندیدن چشم اندازی مدرن از اسلام چیست؟ ملاحظه کرده ایم که سیستمی سیاسی با ساختاری هم سان (مانند آنچه در دوران خلفای عباسی وجود داشته) با پیروان یک مذهب اسلامی رفتاری متفاوت در دوران های مختلف داشته است و با وجودی که مذهب سنّی یا اشعری در برخی نواحی محبوبیّتی نداشته، آن ها در قلمروی فکری اسلام تا همین امروز غلبه داشته اند. هاشمی (2008) نتیجه گیری می کند که «سیاستمداران بیشتر از مکاتب فکری (مثل شعیبه، معتزله یا اشاعره سنّی مذهب) استفاده ابزاری کرده اند تا از مذاهب صاحب شریعت به منظور تحکیم مبانی قدرت و اعمال اراده خود استفاده کنند!» ضمن این که آن ها تبعیضاتی نیز نسبت به برخی مذاهب خاصّ روا می داشته اند.

این گونه حکام به قطبی کردن (پولوریزاسیون) مسائلی می پردازند که تقریباً شامل مباحث فلسفی می شوند (تفلسف) و طبیعتی شبه روشنفکرانه دارند. هاشمی (2008) بیان کرده است که «یک وجه مشترک همه این مذاهب مختلف این است که آن ها در گذر زمان متحوّل شده اند و برای مثال، اشاعره سنّی مذهب و پیروان مکتب معتزله در خصوص صفات ذات اقدس اله نظریّاتشان به یکدیگر نزدیک تر شده است.» ما نباید از هیچ کدام از دو جنبهء دینامیسم یا طبیعت تحوّل گرای مذاهب اسلامی (چه در بعد فقهی و چه در بعد عقیدتی) غافل باشیم. این نوع نظریّه های طلبگی بیشتر موجب سردرگمی می شوند تا پاسخ هایی به نیازهای روز جوامع مدرن اسلامی تدارک ببینند. لازم است اولویّت های تحقیقات در علوم اسلامی مجدداً بررسی و نیاز های روز برآورد شود و بدانیم که با مورد تردید قرار دادن اصالت متون منصوب به پیامبر (ص) به این ترتیب، هرگز به هدف «رهاسازی نوع بشر از زندان متون» نایل نخواهیم آمد.

این گونه ادعاها (از جمله آن چه پشت جلد کتاب ابوزید آمده) هم برانگیزنده احساساتند و هم شبیه به روشی مطرح شده اند که در ادبیّات مورد استفاده در نشریّات زرد از آن استفاده می شود. محقّقینی همچون صالح (2004) و احمدیان (2004) روش قابل ملاحظه ای را نشان داده اند که با استفاده از آن احادیث جمع آوری شده است و شیوه ای را بررسی کرده اند که از آن راه با جعل احادیث مبارزه می شده است. طی دوران دو یا سه قرن استانداردی سخت گیرانه به وجود آمد و برای کامل شدن زیربنای این علم مهمّ اسلامی شش مرحله طی شد.

به جای تمرکز روی تفاسیر مختلف متون، توصیه می شود توجه همان را بر «اهداف شریعت» (مقاصد الشریعه) متمرکز کنیم که دو مؤلّفه دارد:

بدون برآوردن نیازهای انسان ها نمی توان از رعایت حقوق بشر یا حصول آسایش انسان ها و تداوم آن ها اطمینان حاصل کرد. مودودی (2002) فهرستی مشروح از حقوق بشر در اسلام تدارک دیده است. آزادی و عدالت، عناصری جدایی ناپذیر و درونی از شریعت اسلامی هستند. جهان اسلام نمی تواند بدون رعایت آن چه قرآن در خصوص پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) می فرماید، جلوه ای از تعالیم قرآنی باشد:

«و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين» (21:107) "و ای رسول! تو را نفرستادیم مگر برای این که رحمت برای اهل عالم باشی.)

در بخش پایانی این مقاله به بحث پیرامون «اهداف شریعت» پرداخته ایم و آن را با نسخه مدرن توسعه انسانی به عنوان چارچوبی برای فرمول بندی استراتژی هایی جهت وحدت اسلامی مقایسه کرده ایم.

#### 5- راه به سوی جلو: پنج ضلعی توسعه انسانی اسلامی

مفهوم توسعه انسانی در سال 2006 توسط برنامه تحقیقات پیرامون توسعه انسانی (HDI)، وابسته به برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) چنین تعریف شده: «در درجه نخست و مهم تر از همه، اجازه دادن به مردم که به گونه ای زندگی کنند که به نظر خودشان ارزشمند باشد و دادن این توانایی به آن ها که ارزش بالقوه خود به عنوان انسان را دریابند.» برای رسیدن به چنین هدفی يك سند چشم انداز در چارچوب اهداف هزاره (MDG) تنظیم شده است. هدف های ابتدایی شامل کاهش فقر شدید، گسترش دامنه برابری بین زن و مرد، و پیش برد برنامه های مربوط به افزایش امکانات بهداشتی و آموزشی می شود. این مجموعه مورد موافقت جامعه بین المللی که برای اجرای هر يك نیز زمانی مشخص تعیین شده با مرکزیت رفاه نوع بشر طراحی شده است.

نسخه اسلامی توسعه انسانی نیز بسیار جامع است و متکی بر پنج پایه می باشد که از منبع قرآن کریم و سنت نبوی استخراج شده اند. زحمت این کار به عهده صوفی بزرگ و محقق اصلاح طلب امام محمد غزالی (متوفی به سال 505 هجری، 1111 میلادی) بوده که بعداً مورد تایید دانشمندان بزرگی همون امام اسحق الشاطبی (متوفی به سال 790 هجری، 1388 میلادی) و امام فخرالدین رازی (متوفی به سال 606 هجری، 1209 میلادی) نیز قرار گرفته است؛ (منبع: Chapra, 2008) شامل:

1- تقویت نفس انسانی؛

2- غنا بخشیدن به دین در نوع بشر؛

3- غنای عقلی انسانها؛

4- غنی کردن نسل؛ و

5- بسط و نشر مال و ثروت.

در مقاله ای عالی به فلم دکتر چاپرا (Chapra Umer, 2008) به طور مشروح به توضیح سرفصل های «اهداف اصول اسلامی» (مقاصد الشریعة) پرداخته شده که پرداختن به مشروح آن ها خارج از حوصله این مقاله است. با این حال، چندین نتیجه گیری در پی آن توضیحات هست که برای حصول اطمینان از احیای اسلامی در عصر جهانی شدن ذکر آنها خالی از فایده نیست. اما پیش از پرداختن به آن نتیجه گیری ها، لازم می دانم نکته دیگری را یادآوری کنم: جهان غرب می تواند وسیله ای برای احیای تمدن اسلامی تدارک ببیند. نوعاً به خاطر حمایت غرب از صهیونیسم، نگاه ما به غرب به عنوان «دشمن» جهان اسلام است. هم چنین به خاطر عملیات نظامی غرب در منطقه، تهاجمات رسانه ای آن علیه تمامیت اسلام و البته سوابق استعماری غرب. علی رغم تمام این ها، قدرت دعوت اسلامی و پایگاه قدرتمند روشنفکری اسلامی در غرب امکان بسیار مهم گفتگو بین دو تمدن را فراهم آورده است. به این ترتیب، ممکن است عجیب به نظر برسد که غرب به مرکزی برای حرکت روشنفکری اسلامی تبدیل شده است. محققین مسلمان در غرب از این موقعیت برای شروع یک سلسله کارهای تحقیقاتی حیاتی بهره جسته اند. نگارنده با برخی مراکز که در حال پر کردن این خلاء هستند آشناست. برای نمونه "سازمان بین المللی اندیشه اسلامی" با دفاتری در لندن و واشنگتن یکی از مراکز بسیاری است که در آن دانشمندان به مطالعات مختلف پیرامون جنبه های مختلف اسلام مشغولند. این امر نشان دهنده خلافت اقلیت های اسلامی، علی رغم حاکمیت شرایط بسیار سخت و نامساعد است.

چارچوب فرمول بندی استراتژی های وحدت اسلامی می تواند مبتنی بر «مقاصد الشریعة» باشد. برای هر یک از اهداف یک استراتژی توصیف شده است:

تقویت نفس؛

نیاز اصلی تقویت نفس انسانی در پیروان ادیان است، شامل: تقویت عزت نفس، تقویت خودپنداره، و تقویت احساس برادری اسلامی و اجتماعی.

این اهداف را می توان از طریق رعایت عدالت به دست آورد و حفاظت از آن ها هم از راه بالا بردن روحیه و اخلاقیات میسر خواهد بود (نگاه کنید به فصل مربوط به تقویت اعتقاد). محیط توانمند کننده انسان ها محیطی است که امنیت زندگی، مالی و شرافتی انسان ها را تأمین نماید. استراتژی مربوط به رسیدن به این اهداف به شرح ذیل است:

• خلق نمودن محیطی آزاد جهت توسعه نفس؛

• تدارک دیدن شرایط آموزش مناسب که هزینه آن برای همگان قابل پرداخت باشد؛

• تقویت مبانی حاکمیت خود؛

• تدارک شرایط مساوی استخدامی و کسب ثروت؛ و

• حمایت از انسجام خانوادگی و اجتماعی.

تقویت عقیده:

یکی از کمبودهای حرکت اسلامی این است که آن ها علت اضمحلال اسلامی را صرفاً افول ارزش های روحانی و اخلاقیات در جوامع اسلامی دانسته اند. این واقعیت دارد که نیروهای جهانی سکولار بزرگ ترین چالش را برای جوامع مذهبی در سراسر جهان به وجود آورده اند، اما این که ما باید به تقویت دینی و عقیدتی خود بپردازیم تنها یکی از جنبه های توسعه انسانی در جوامع اسلامی است. از طرف دیگر، تأکید صرف بر اجرای برنامه های سیاسی و جهادی، چنان که هوا (Hawa؛ 1988) گفته است، منجر به بروز خلایق در ابعاد روحانی حیات امّت شده. استراتژی غنا بخشیدن به عقیده بر مبنای تبیین و تفسیر این مسأله تدوین می شود که چگونه می توان منافع و خواسته های شخصی را با مسؤولیت های فرد نسبت به خدا به طور یک جا جمع کرد، چون به این ترتیب جهان بینی وی به نحوی ساخته می شود که وی قانع به قبول ارزش هایی می شود که تداوم آن ها به متکی بر انگیزه های مناسب، و حفاظت از آن ها نیز مبتنی بر اخلاقیات بالا و آموزش های مادی است. نقش حکومت در این زمینه باید معین و عمده باشد (Chapra؛ 2008). حکومت باید

اصول حاکمیت خوب را مراعات نماید و محیطی فراهم آورد که توانمند کننده، حامی عزت نفس، مراعات کننده آزادی‌های مشروع، و متضمن زندگی انسان‌ها در امن و امان باشد. برای ایجاد انگیزه بالاتر در جوامع اسلامی جهت صیانت از اصول اسلامی، باید به تقویت کارآیی سازمان‌های اجتماعی-اقتصادی، قضایی، مالی، خدماتی، آموزشی و فرهنگی پردازیم. نقش دولت‌ها در اعمال قوانین و مقررات نیز، چنان‌چه معیارهای اخلاقی در جوامع اسلامی بالاتر برود تسهیل می‌شود.

تقویت فکری:

استراتژی عمده برای دفع مخاطرات موجود علیه امت تأکید بر نقش «مقادیر الشریعة» در تعبیر و تفسیر متون اسلامی است. چنان‌که چاپرا گفته است (Chapra: 2008) چکیده پنج پایه «مقادیر الشریعة» خدمت جهت اکتساب منافع انسان‌ها و حفاظت از آن‌ها در برابر صدمات است. رابطه‌ی آشکار بین این اهداف (مقدارها) وجود دارد و ارتباطات بین همه آنها بینابینی بوده، فقدان هر یک عاملی محدود کننده نسبت به دست‌یابی به اهداف توسعه همه‌جانبه انسانی خواهد بود. چاپرا (Chapra: 2008) توجه ما را به این نکته جلب می‌کند که تأکید بر اهداف شریعت منجر به صیانت از پویندگی و جذابیت آموزش‌های اسلامی و کاهش میزان اختلاف عقاید می‌شود. در نتیجه، می‌توان از پایین بودن سعه صدر، خرافه‌گرایی و بروز بحران‌ها پیش‌گیری کرد. این اهداف تنها در صورتی قابل حصول خواهد بود که آموزش مذهبی و نظام‌های آموزشی جامع به طور یکجا ارائه شوند و دانش‌آموزان بیاموزند که متون را به نحوی منطقی تعبیر و تفسیر کنند و بتوانند درست بیندیشند. باید محیط برای آزادی اندیشه توانمند کننده افراد باشد و در آن امکان ابراز عقیده به طور آزاد وجود داشته باشد. همچنین محیط باید انگیزه‌افزایان را بالا ببرد و به کارهای خلاقانه پاداش بدهد.

تقویت نسل:

استراتژی این است که محیط زندگی انسان‌ها باید پاکیزه و فاقد عوامل وحشت‌آفرین و مخل امنیت باشد. لذا، باید به حل بحران‌ها در درون یک سیستم سازمانی و حکومتی پردازیم. با این که در قرآن کریم اشارات فراوانی به لزوم حمایت از محیط زندگی انسان‌ها شده است این مسأله در ادبیات اسلامی مورد غفلت قرار گرفته است. تخریب منابع طبیعی و اضمحلال محیط زیست تهدیدی است علیه امنیت امت اسلامی و نسل‌های آینده. در واقع اگر این مسأله مورد غفلت قرار بگیرد، دستیابی به دیگر اهداف نیز میسر نخواهد بود.



يك جامعه پويا بايد بتواند به توليد ثروت بپردازد كه امانتي است از جانب خداي متعال. توانمدي توليد ثروت معادل است با كسب ديگر اهداف. استراتژي مربوط به كسب اين هدف شامل ريشه كن كردن فقر، به حدّ اقلّ رساندن نابرابري ها در كسب ثروت از طريق تدارك ديدن حمايت براي نیازمندان، مبتني بر مكانيسم هاي توزيع مجدّد ثروت، مثل ماليات هاي مختلف (زكات، صدقه، اوقاف و غيره) مي شود. بنا بر اين در يك استراتژي جامع، توسعه اقتصادي نبايد نادیده گرفته شود. از طرف ديگر، تمرکز بر توسعه اقتصادي به تنهائي در کوتاه مدت مفيد خواهد بود ولي در دراز مدّت پايدار نخواهد بود، چون منجر به «ظهور نابرابري ها»، فروپاشي بنياد خانواده ها، گسترش ناهنجاري ها بين نسل جوان، افزايش ميزان جرم و جنايت و بي عدالتي اجتماعي مي شود» (Chapra: 2008). در بيش تر كشورهاي خاورميانه برنامه هاي توسعه به اصطلاح «كوتاه مدّت» با اتّكا به درآمد نفت و ديگر منابع تجديد ناپذير به مورد اجرا گذشته مي شود كه براي تداوم حيات عزّت مندانه ملت ها مرگ بار است و مي تواند منجر به افول اجتماعي-اقتصادي ملت ها بشود. چاپرا (Chapra, 2008) توصيه مي كند كه:

«افول ممكن است تدريجاً به همه بخش هاي سياست گذاري رخنه كند، اعمّ از سياست هاي اجتماعي و اقتصادي و اين تأثير از طريق علل چرخشي اعمال مي شود، چنان كه ابن خلدون در مقدمه خود بر آن تأكيد کرده است و نهايتاً مي تواند منجر به تخریب بیشتر تمدن اسلامي بشود، چنان كه در طبقات پايين اجتماعي سال هاست در نتيجه قرن ها افول، اين تأثير نامطلوب را گذاشته است.»

عظمت و به جا بودن پيام اسلام در عصر جهاني سازي ملاك صحّت انزال وحي از طريق پيام بر رحمت و برکت است. اسلام بر تمامي عناصر ضامن رفاه و آسايش انسان ها تأكيد کرده است و صرفاً بر توليد ثروت و نيازهاي عصر مدرن آن ها نپرداخته است. اکنون اين وظيفه متفكّرین و روشنفکران مسلمان است كه بپاخيزند و با احياي اسلام و پيام آن تحقّق وعدهء الهي «كلمه اِلهي العلياء» را ميسر سازند و ثابت كنند كه دين حق واقعاً برترين مكتب انسان ساز است (اظهارالدّين). نسخه مدرن نبروهاي جهاني چندبعدي است (داراي ابعاد سكولار، ملي گرا، اقتصادي، بازرگاني، فرهنگي و اجتماعي)، و چالش هايي جدّي فراروي امّت اسلامي قرار مي دهد. راه پيش رو شامل مبارزه با جهاني سازي و ارزش هاي آن نمي شود، بلكه بايد به فرمول بندي استراتژي ها و برنامه هاي روشن به عنوان جايزگزين براي مدل هاي شكست خوردهء ملي گرايانه و پلوراليستي (كثرت گرا) بپردازيم. اسلام گرايان توانسته اند مشكل را به خوبي ارزيابي كنند امّا در تدارك يك جايزگزين روشن براي وضع حاضر هنوز موفق نبوده اند.

كتاب نامه:

Abu Zaid, N. H. (2007) Imam Shafi'ei and the Establishment of the Centrist Ideology.  
Centre Culturel Arabe, CCA [Arabic Cultural Centre] Casablanca, Morocco.

[ in Arabic]

نصر حامد ابو زيد، الامام الشافعي و تاسيس الايديولوجية الوسطية، المركز الثقافي العربي

Ahmadian, A., (2004) History of Hadith and its Documentation process. Ehsan Publication,  
Tehran, Iran. [in Farsi].

احمدين، ا. تاريخ حديث و روند مدرک سازي، انتشارات احسان، تهران، ايران؛ 2004؛ (به فارسي)

-Al Alwani, T. J., (2003) Source Methodology in Islamic Jurisprudence: Usul al- Figh al  
Islami. The International Institute of Islamic Thought, London.

الالواني، عمر، م؛ 2003؛ اصول الفقه الاسلامي؛ مؤسسه اندیشه اسلامي، لندن (به عربي)

Chapra, Umer M., (2008) The Islamic Vision of Development in the Light of Maqasid al-  
Shari'ah. Occasional Papers Series 15, the International Institute of Islamic Thought,  
London.

چاپرا، عمر، م. (2008): دیدگاه اسلامی توسعه به یاری "مقارید الشریعه" سلسله مقالات پراکنده؛  
سری 15؛ مؤسسه اندیشه اسلامی، لندن (به عربی)

Fuller, G.E., (2003) The Future of Political Islam. Palgrave Macmillan, USA.

فولر؛ جی. ای. (2003): آینده اسلام سیاسی؛ انتشارات پالگریو-مک میلان، ایالات متحده (به انگلیسی)

Hashemi, S.M., (2008) A new Constitutional Initiative (Al-Methaaq) for Islamic Union: Is it enough? Proceedings of the 21st International Islamic Unity Conference, Tehran, Iran.

هاشمی؛ س. م. (2008) ابتکار یک قانون اساسی (میثاق) جدید برای وحدت اسلامی: آیا کفایت می کند؟ متن  
سخنرانی در بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، ایران

Hawa, S., (1988) Our Spiritual Education. Dar Al Salam Printing, Publication &  
Distribution, Egypt.

تربیتنا الروحیه لسعید حوی، دار السلام للطباعة و النشر و التوزیع و الترجمة (به عربی)

HDR (Human development Report)/ UNDP, (2006) Beyond Scarcity: Power, Poverty and the global  
water crisis. United nations Development Program, UNDP, NY, USA.

گزارش توسعه انسانی 2006 UNDP تحت عنوان عبور از کمبود: قدرت، فقر و بحران آب؛ برنامه توسعه

انسانی سازمان ملل متحد UNDP؛ نیویورک، ایالات متحده آمریکا

Huntington, Samuel P., (1996) *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*.  
Simon & Schuster, New York.

هانتینگتون؛ ساموئل، پید؛ برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی؛ انتشارات سیمون و شوستر؛  
نیویورک (به انگلیسی)

Mawdudi, Abu A'la, (2002) *Human Rights in Islam*. Second edition, The Islamic Foundation,  
Leicester, UK

مودودی، ابو علا؛ (2002) *حقوق بشر در اسلام؛ چاپ دوم، بنیاد اسلامی؛ لسجستر؛ انگلیس*

Piscatori, J.P., (1986) *Islam in a World of Nation-States*. The Royal Institute of  
International Affairs, Cambridge University Press, Cambridge, UK

پیسکاتوری؛ ادوارد دلیو؛ اسلام در جهان دولت-ملت‌ها؛ مؤسسه سلطنتی امور بین‌المللی؛ انتشارات  
دانشگاه کمبریج؛ انگلیس

Said, Edward W. (1997) *Covering Islam: How the media and the experts determine how we see*

the rest of the world. Vintage Books, London

سعید، ادوارد؛ (1977) پوشش دادن به تحولات اسلامی: چگونه رسانه ها و خبرگان تصمیم می گیرند ما بقیه جهان را چگونه ببینیم؛ انتشارات وینتج بوکز، لندن (به انگلیسی)

Saleh, S., (2004) Hadith Sciences and their Terminologies. [Translated into Farsi by A. Nader-Ali] Uswa Publication, Qom, Iran

صالح، ص؛ علوم و اصطلاحات حدیث؛ (2004)؛ ترجمه به فارسی توسط ع. نادر علی، انتشارات اسوه، قم، ایران

Scruton, R. (2002) The West and the Rest: Globalisation and the terrorist threat. Continuum Books, London

اسکراتون، آر. (2002) غرب و دیگران: جهانی سازی و تهدید تروریسم، انتشارات کانتینیوم بوکز؛ لندن (به انگلیسی)

Zubaida, S., (2005) Law and Power in the Islamic World. I.B. Tauris, London

زبیده، اس، (2005) قانون و قدرت در جهان اسلام؛ ای. بی. توریس؛ لندن (به انگلیسی)

-----

[1] - نگارنده از کلمهء demise " " استفاده کرده، که اغلب معنای "رحلت" را می دهد، ولی در میان معانی کم مصرف تر آن "افول" نیز ذکر شده است. با این حال، برای "افول" در زبان انگلیسی کلماتی با بار منفی کم تر نیز هست، که نگارنده طاهرآ عمدآ از استفاده از آن ها طفره رفته است، و به همین خاطر این جانب برای رعایت صداقت در ترجمه از هر دو کلمه استفاده کردم. مترجم